

viel oder sehr

سلام دوستان،

در این درس می خواهیم با هم به تفاوت viel و sehr در زبان آلمانی بپردازیم و همچنین خواهیم آموخت ، کی و کجا باید از آنها در جملات استفاده کنیم

مثال های بیشتر :

نکته : اسامی در جمله به رنگ آبی علامت گذاری شده است

نکته : صفت ها به رنگ قرمز علامت گذاری شده است

Bis dahin können sich noch **vielle Löcher** auftun

سوراخ های زیادی تا آنجا یا تا اونجا می توانند نمایان بشوند

Viele Wolken am **Himmel** bedeuten **Regen**

ابرهای زیاد در **آسمان** به معنی **باران** باریدن است

Das **Bild** erweckt **vielle Erinnerungen** in mir

این **عکس خاطرات** زیادی را در من زنده میکند

این **عکس** یادآور **خاطرات** زیادی در من است

Vielen Dank für Ihre **gastliche** **Bewirtung**

فراوان سپاس به خاطر پذیرایی مهمان نوازانه تان

Das morgige Fußballspiel wird sehr spannend sein

بازی فوتبال روز آینده □ بسیار مهیج یا هیجان انگیز خواهد شد

Ich bin sehr hungrig

من خیلی گرسنه هستم

Ich habe viel Hunger

من خیلی گرسنه هستم

تفکر آلمانی : من خیلی گرسنگی دارم

Unsere neuen Nachbarn sind sehr nett

همسایه های جدید ما خیلی مهربان هستند

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de

نگاهی به فعل kommen و پیشوندهای آن

سلام دوستان،

در درس گذشته به فعل fahren به همراه پیشوندهای آن پرداختیم. اما در درس امروز می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به فعل kommen به همراه پیشوندهای آن و همچنین حروف اضافه ای که می توانند با این فعل ترکیب شوند تا به آن مفهوم و معنی تازه تری بدهند.

چنانچه درس fahren و پیشوندهای آنرا هنوز مطالعه نکرده اید ، می توانید از لینک زیر به آن دسترسی داشته باشید.

درس fahren و پیشوندهای آن ([کلیک کنید](#))

در دو درس ویدیویی گذشته نیز به حروف اضافه ای که می توانند به همراه فعل kommen مورد استفاده قرار بگیرند ، پرداخته ام

درس اول – نگاهی به nach, zu, mit به همراه فعل kommen ([کلیک کنید](#))

درس دوم – فعل kommen به همراه حروف اضافه von, aus و همچنین تفاوت این دو حروف اضافه ([کلیک کنید](#))

و اما در این درس ، هم به حرف اضافه in و همچنین به حروف اضافه ای ترکیبی که به همراه این فعل می توانند بیایند ، پرداخته شده است.

kommen

آمدن ، رفتن و شرکت کردن

گذشته ساده : kamen

گذشته کامل : sind gekommen

خود فعل kommen می تواند با حروف های اضافه زیر ترکیب شود و آنگاه معنی و مفهوم تازه تری به همراه داشته باشد

kommen durch

از سویی یا جایی عبور کردن □ گذشتن یا رد شدن

Kommt der Zug durch Mannheim?

آن قطار از میان یا از کنار شهر مانهایم میگذرد □

شهر مانهایم را نیز رد میکند

پس چنانچه فعل **kommen** با حرف اضافه **durch** بیاید ، آنگاه از جایی گذشتن است ، مانند : گذشتن قطار از یک شهر یا مکان یا محل

um etwas kommen

از دست دادن ، خسارت دیدن ، زیان دیدن

um seine Ersparnisse kommen

پس از انداز را از دست دادن

Ums Leben kommen

زندگی را از دست دادن

توجه داشته باشید که در اینجا **um** یک حرف اضافه است نه یک واژه ترکیبی برای ساخت (تا) در زبان آلمانی ، برای مثال به جمله زیر توجه کنید :

Ich komme, um zu helfen

من می آیم ، تا کمک بکنم

در اینجا یک حرف اضافه نیست ، بلکه واژه ای است برای ساختن مفهوم (تا) در زبان آلمانی

um...zu + Verb شکل کلی (تا) در زبان آلمانی

البته ما می توانیم به روش های دیگر (تا) را نیز بسازیم که می توانید برای درک بیشتر درس زیر را مطالعه کنید.

مفهوم (تا) در زبان آلمانی ([کلیک کنید](#))

یا اینکه دیگر کاربرد um به همراه kommen زمانی است که ما بخواهیم بگوییم ، راس ساعت مشخصی می آییم ، برای مثال :

Ich komme **um** 10 Uhr

من **راس** یا **سر ساعت** ۱۰ می آییم

auf etwas kommen

به چیزی رسیدن ، دست یافتن

auf etwas zu sprechen kommen

به جهت صحبت کردن به چیزی رسیدن یا دست یافتن

Wie **sind** wir **auf** dieses Thema **gekommen**?

ما چگونه به این موضوع **دست یافته ایم**؟

zu etwas kommen

به چیزی رسیدن ، دست یافتن ، تصاحب کردن

که معمولاً با اسامی der Schluß , das Ergebnis ترکیب می شود ، یعنی zu dem Schluss kommen یا اینکه zu dem Ergebnis kommen , zum Ergebnis kommen و همچنین

Ärzte sind **zu dem Schluss gekommen**, dass Passivrauchen gefährlich für die Gesundheit ist

دکترها به این نتیجه رسیدند که دود سیگار برای سلامتی خطرناک است

برای درک بیشتر این اصطلاحات می توانید درس زیر را مطالعه کنید.

([کلیک کنید](#)) zu dem Schluß kommen یا zu dem Schluss kommen

توجه داشته باشید zu می تواند به همراه صفت نیز بیاید که آنگاه معنی خیلی ، زیاد و ... را میدهد ، برای مثال :

Er **kommt immer zu spät**

او همیشه خیلی دیر می آید

که zu در اینجا در واقع با فعل kommen هیچ ارتباطی ندارد بلکه با صفت جمله یعنی spät در ارتباط است.

یا اینکه zu Fuß نیز به همین صورت است

Wir **sind diesmal zu Fuß gekommen**

ما این بار یا این مرتبه با پای پیاده آمده ایم

dazu kommen

فرصت یافتن ، روی دادن ، اتفاق افتادن ، شدن

Endlich **komme** ich **dazu**, dir zu schreiben

بالاخره یا سرانجام من **فرصت یافتم** (تا) به تو (نامه ، ایمیل ، اس ام اس) بنویسم.

zu sich kommen

به هوش آمدن ، خود را باز یافتن

wieder **zu sich kommen**

پس از یک بیهوشی یا ضعف جسمی دوباره و مجدد به **هوش آمدن** و **هوشیار شدن**

البته می تواند با دیگر افعال نیز ترکیب شود برای مثال :

kommen lassen

اجازه بدیم چیزی اتفاق بیافتد یا کسی بیاید

Den Gegner **kommen lassen**

اجازه بدیم یا بذاریم حریف حمله کند یا بیاید

kommen + aus

به جایی تعلق داشتن

Ich **komme aus** dem Iran

من **به** ایران تعلق دارم یا اینکه **اهل** ایران هستم و یا اینکه **از** ایران می آیم

همانطور که دیدید فعل **kommen** خیلی پرکاربرد است و از طرفی می تواند کلی معنی و مفهوم متفاوتی نسبت به , آمدن , داشته باشد.

و اما اولین پیشوند ما ، mit است

mitkommen

به همراه کسی آمدن

Ich habe keine Zeit mitzukommen, und außerdem bin ich auch gar nicht eingeladen

من وقت ندارم همراه شما بیایم و بعلاوه من اصلاً دعوت نشده ام

پیشوند بعدی ما an می باشد

ankommen

رسیدن ، وارد شدن

Der Zug kam fünf Minuten zu spät an

قطار پنج دقیقه دیر رسید.

Wir sind zusammen hier angekommen

ما هم زمان با هم به اینجا رسیدیم

پیشوند بعدی ما zurück می باشد

zurückkommen

برگشتن ، بازگشتن

Wann kommt ihr nach Hause zurück?

کی یا چه زمانی شما ها به خانه بر میگردید؟

Auf eine Frage zurückkommen

به یک سوال دوباره رجوع کردن یا برگشتن و آنرا مجدداً مطرح کردن

Ich möchte noch mal auf die Frage zurückkommen

من می خواهم یکبار دیگر به این سوال برگردم و آنرا مجدداً مطرح کنم.

پیشوند بعدی ما ent می باشد

entkommen

در رفتن ، فرار کردن ، گریختن

توجه داشته باشید که ent فعل را جدا شدنی نمیکند!

Der Dieb ist der Polizei entkommen

دزد از دست پلیس فرار کرده است

پیشوند بعدی ما aus می باشد

auskommen

کنار آمدن ، سازگاری کردن ، کافی بودن

Wir kommen gut miteinander aus

ما با هم به خوبی کنار می آییم.

Ich komme mit dem Geld aus

این پول برای من کافی است.

پیشوند بعدی ما **weiter** می باشد

weiterkommen

پیش رفتن ، جلو رفتن ، به رفتن ادامه دادن

So **kommen** wir nicht **weiter**

اینجوری ما نمی توانیم پیش برویم

Die Mannschaft **ist** in dem Turnier eine Runde **weitergekommen**

تیم ملی در یک تورنمت یک مرحله پیش رفته است

یعنی از گروه خودش صعود کرد و به مرحله بعدی رفته است

پیشوند بعدی ما **vorbei** می باشد

vorbeikommen

از جایی گذشتن ، سر زدن

Ich **bin** an einem Krankenhaus **vorbeigekommen**

من در مسیرم از کنار یک بیمارستان عبور کردم

و آخرین پیشوند در این درس **durch** می باشد

durchkommen

به زور رد شدن ، با سختی گذراندن ، به اجبار گذر کردن ، کاری را با موفقیت به پایان بردن

im Leben **durchkommen**

در زندگی به اهداف خود رسیدن و آدم موفق بودن

Sie **kommt** mit ihrer Rente **kaum** durch

او (مونث) با حقوق بازنشستگی اش به سختی و دشواری می گذراند

این درس را از اینستاگرام نیز دنبال کنید :



مشاهده کامل این درس و همچنین توضیحات و مثال های بیشتر هم اکنون در سایت و کانال تلگرام من . . t.me/Mori_Meister
de.alemani.de . . #de_alemani_de #deutschland #deutsch_lernen #deutsch_als_fremdsprache
#مرتضی_غلام_نژاد #آموزش_زبان_آلمانی

A post shared by [de.alemani.de](#) (@de.alemani.de) on Jun 18, 2018 at 2:29am PDT

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de

نگاهی به فعل fahren و پیشندهای آن

سلام دوستان،

در این درس می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به فعل fahren به همراه پیشندهای آن

البته ما در این درس نمی خواهیم که تمامی پیشوندهای این فعل را مورد بررسی قرار بدهیم ، بلکه می خواهیم پر کاربردترین و مهم ترین آنها را با کمک یکدیگر یاد بگیریم. زیرا فعل fahren می تواند به همراه چیزی حدود ۴۰ تا فعل ترکیب شود و معانی متفاوت داشته باشد.

قبل از هر چیز اجازه بدهید نگاهی به fahren داشته باشیم

fahren

رانندگی ، رانندگی کردن ، با وسیله نقلیه رفتن

گذشته ساده : fahren

گذشته کامل : sein gefahren

Wegen mehrerer gesperrter Straßen mussten sie einen großen Umweg fahren

به خاطر خیابان های مسدود زیاد ، شما می بایستی یک مسیر فرعی و طولانی تر را رانندگی میکردید.

Wir fahren morgen mit dem Schiff nach Italien

ما فردا با کشتی به ایتالیا می رویم.

پس خود فعل fahren به معنی : رانندگی کردن یا رفتن با وسیله نقلیه است

اما از آنجایی که در تفکر آلمانی یا بهتر است بگویم در زبان آلمانی ، ما برای هر کاری فعل مخصوص به خودش را داریم ، بنابراین افعال با پیشوندهای ترکیب می شوند تا معنی و مفهوم جدیدی بسازند. به همین دلیل است که افعال در زبان آلمانی ، دارای پیشوند می باشند که بعضی از آنها جدا شدنی هستند (یعنی آن پیشوند به انتهای جمله می رود در صورت نبود فعل کمکی در جمله) و بعضی از آنها ثابت هستند.

چنانچه هنوز با مبحث افعال در زبان آلمانی آشنایت ندارید ، پیشنهاد میکنم درس زیر را مطالعه کنید.

جزوء افعال در زبان آلمانی ([کلیک کنید](#))

اما اولین پیشوند ما ab است

در واقع ab هرگاه به افعال اضافه می شود ، معمولاً چیزی از جایی کنده شدن است مثلاً در مورد فعل fahren هرگاه پیشوند ab به آن اضافه می شود ، آنگاه به معنی ترک کردن یا از جایی کنده شدن و رفتن ، مثل رفتن قطار یا اتوبوس که در تفکر آلمانی انگاری که از محل کنده می شود و میرود ، ما در فارسی می گوئیم به راه افتادن اما در تفکر آلمانی یک وسیله نقلیه می تواند از جایش کنده شود و همانطور که به راه افتاده است محل را نیز ترک کند.

Der Bus fährt gleich ab

آن اتوبوس همین حالا حرکت میکند

در تفکر آلمانی : آن اتوبوس همین حالا نه تنها به راه میافتد بلکه در حال ترک کردن محل نیز می باشد.

Der Zug fährt gleich ab

آن قطار همین حالا حرکت میکند

آن قطار یا آن اتوبوس الانهاست که راه بیافته و جایش را ترک کند.

پیشوند بعدی ما ein می باشد

معمولاً پیشوند ein هرگاه با افعال ترکیب می شود ، معنی وارد شدن یا داخل شدن به جایی به چیزی را میدهد ، برای مثال اگر با fahren باشد ، آنگاه به این معنی است که ما با وسیله نقلیه به جایی یا مکانی وارد شویم

Der Zug fährt in den Tunnel ein

قطار وارد تونل می شود

قطار در حال وارد شدن به تونل می باشد

Wir fahren in den Bahnhof ein

ما به ایستگاه قطار وارد می شویم

پیشوند بعدی ما los می باشد

معمولاً los به همراه افعال ، معنی و مفهوم : آغاز کردن یا شروع کردن آن کار را میدهد ، برای مثال هرگاه به همراه fahren
بیاید ، آنگاه به معنی : آغاز به حرکت کردن یا شروع به راه افتادن را به همراه خود دارد

Wir fahren um drei Uhr los

ما در ساعت سه آغاز به حرکت میکنیم

ما سر ساعت سه شروع به حرکت میکنیم

پیشوند بعدی ما mit می باشد

معمولاً mit به همراه افعال : معنی و مفهوم ، همراهی کردن را میدهد ، مثلاً اگر با fahren ترکیب شود ، آنگاه به معنی : به
همراه کسی با وسیله نقلیه رفتن است

Du kannst bei mit mitfahren

تو می توانی به همراه من بیایی

یعنی بیایی نزد من بنشین و بعد با هم به رفتن (با وسیله نقلیه) ادامه بدهیم.

پیشوند بعدی ما vorbei می باشد

معمولاً vorbei هرگاه با افعال می آید ، آنگاه معنی عبور کردن از کنار چیزی یا اینکه در هنگام کاری به کوچولو کار دیگری کردن ، مثلاً در هنگام رانندگی از کنار چیزی رد شدن یا به کوچولو (مدت کوتاه) به جایی سر زدن ، برای مثال اگر با فعل fahren باشد ، آنگاه به معنی : سر راه یا در هنگام رانندگی از کنار جایی رد شدن یا به سری هم به جایی زدن

Wir müssen noch bei der Apotheke vorbeifahren

ما باید سر راهمان به سر هم به داروخانه بزیم

ما باید سر راهمان به سر هم داروخانه برویم

پیشوند بعدی ما zurückfahren می باشد

معمولاً zurück هرگاه با افعال می آید ، معنی بازگشت را میدهد و مشخص است اگر با fahren باشد ، آنگاه به معنی برگشتن با وسیله نقلیه می باشد

Mit der Bahn nach Hause zurückfahren

با راه آهن (مترو) به خانه برگشتن

پیشوند بعدی ما weiter می باشد

معمولاً weiter پس از اضافه شدن به یک فعل ، معنی : ادامه دادن را به آن فعل اضافه میکند ، برای مثال چنانچه با fahren بیاید ، یعنی به رفتن یا رانندگی کردن ادامه دادن

In Ordnung, Sie können weiterfahren

همه چیز رو به راه است ، شما می توانید به رفتن ادامه دهید

و آخرین پیشوند ما über می باشد

über می تواند چند معنی به همراه خودش داشته باشد چنانچه با افعال ترکیب شود.

۱. بیشتر یا بیش از حد

۲. از روی آن (مثلاً عبور کردن ، رفتن ، تماشا کردن و ...)

و چند معنی پراکنده دیگر ...

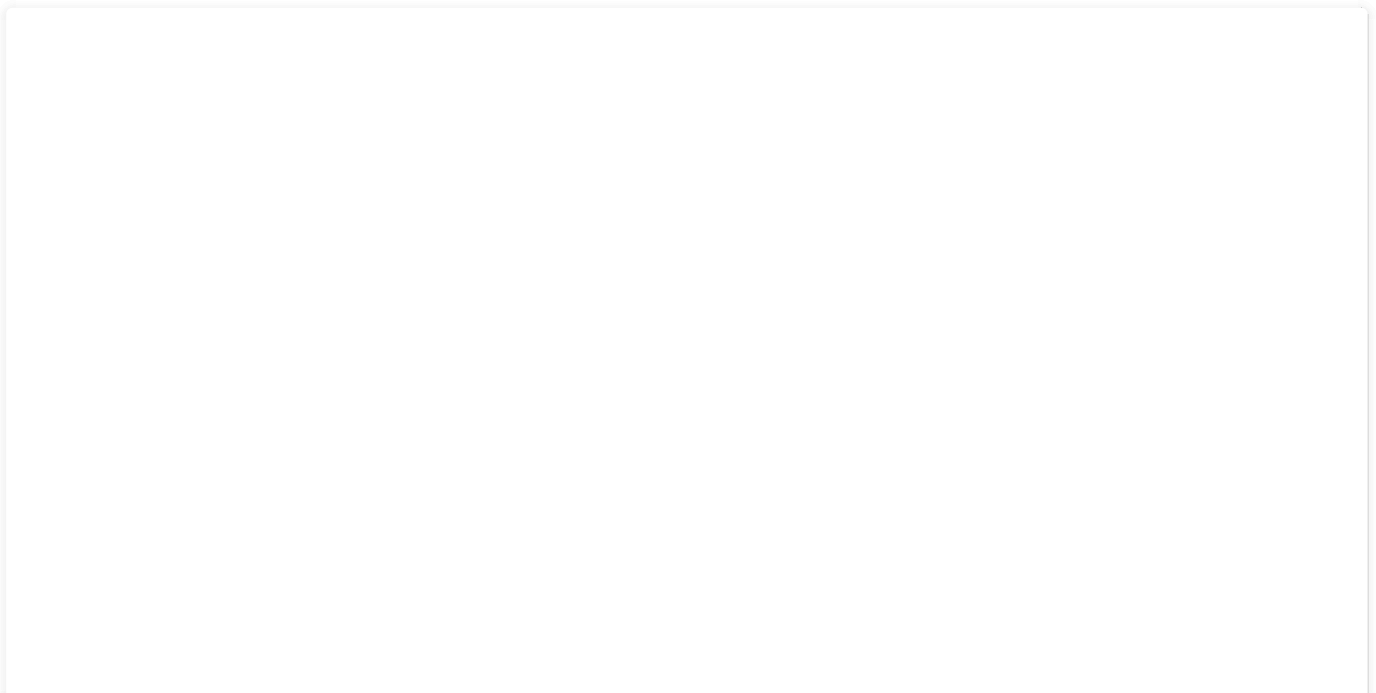
اما اگر با fahren بیاید ، به این معنی است که : در هنگام رانندگی به چیزی زدن یا چیزی را زیر گرفتن و از روی آن رد شدن

Ich habe das Tier nicht überfahren

من آن حیوان را زیر نگرفتم

نکته : توجه داشته باشید که überfahren در زمان گذشته کامل با فعل haben ساخته می شود نه با sein

این درس را در اینستاگرام نیز دنبال کنید :





. vorsichtig, schnell, mit großer Geschwindigkeit fahren . با احتیاط ، تند ، با آخرین سرعت رانندگی کردن . .
deutsch #deutsch_als_fremdsprache# #de_alemani_de# آموزش زبان آلمانی #مرتضی_غلام_نژاد
#deutsch_lernen

A post shared by [de.alemani.de](#) (@de.alemani.de) on Jun 13, 2018 at 7:24am PDT

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : [de.alemani.de](#)

نگاهی به quasi, fast, beinahe در زبان آلمانی

سلام دوستان،

در درس امروز می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به قیدهای **quasi, fast, beinahe** که به معانی زیر می باشند :

تقریباً ، حدوداً ، تلویحاً ، تا حدودی ، نزدیک بود که

البته معنی **نزدیک بود که** ، تنها برای **fast** و **beinahe** است اما دیگر معانی در این سه قید یکسان است.

به مثال های زیر توجه کنید:

Er hat es mir **quasi** versprochen

او (مذکر) تقریباً یا حدوداً آنرا به من قول داده است

Ich bin **quasi** schon fertig

من تقریباً یا حدوداً کارم تمام است

که می توان جمله بالا را با **fast** نیز بیان کرد

Ich bin **fast** fertig

من تقریباً یا حدوداً کارم تمام است

Der Bau ist **fast** fertig

آن کار ساختمانی حدوداً تمام است

از آنجایی که گفتیم معنی : **نزدیک بود که** ، برای **fast** و **beinahe** بود بنابراین در جملاتی مانند : **نزدیک بود که تصادف کنیم** ، **نزدیک بود بخورم زمین و** در این نوع جملات ما می توانیم **fast** و **beinahe** را **به جای یکدیگر** استفاده کنیم.

برای درک بیشتر به مثال زیر توجه کنید :

Fast hätten wir einen Unfall gehabt

نزدیک بود که تصادف کنیم

تقریباً داشتیم تصادف میکردیم

Beinahe hätten wir einen Unfall gehabt

نزدیک بود که ما تصادف کنیم

تقریباً داشتیم تصادف میکردیم

البته در درس صدم از سری دروس گرامر و دستور زبان آلمانی به **beinahe** پرداخته بودیم ، این درس را می توانید از لینک زیر مطالعه کنید.

نگاهی به **beinahe** در زبان آلمانی ([کلیک کنید](#))

نتیجه کلی :

ما می توانیم **fast** را چیزی میان **quasi** و **beinahe** بدانیم از آن جهت که **fast** هم بخشی از **quasi** را گرفته است و هم بخشی از **beinahe** این بدین معنی است که **fast** می تواند در هر حالتی به جای دو قید دیگر ما مورد استفاده قرار بگیرد.

چنانچه خواهیم از : **تقریباً** و **حدوداً** استفاده کنیم ، بهتر است که به سر وقت **quasi** و **fast** برویم ، اما اگر خواستیم از : **نزدیک بود که** ... استفاده کنیم ، آنگاه **beinahe** و **fast** را مورد استفاده قرار میدهیم.

اما بین **beinahe** و **fast** که هر دو هم معنی هستند ، بهتر است اگر می خواهیم بگوییم : **نزدیک بود که ...** آنگاه از **beinahe** استفاده کنیم.

و بین **fast** و **quasi** در معانی ، **تقریباً □ حدوداً** ، بهتر است از **fast** استفاده کنیم. اگر چه می توانیم از **quasi** نیز استفاده کنیم ، ولی **اغلب و بیشتر** از **fast** استفاده می شود تا **quasi** ،

Wir hatten die Hoffnung **fast** aufgegeben

ما **تقریباً** یا **تاحدودی** امیدمان را از دست داده بودیم

Wir hatten die Hoffnung **quasi** aufgegeben

ما **تقریباً** یا **تاحدودی** امیدمان را از دست داده بودیم

Sie wäre **beinahe** von einem Fuhrwerk überfahren

او **نزدیک بود که** توسط یک گاری زیر گرفته بشه

Sie wäre **fast** von einem Fuhrwerk überfahren

او **نزدیک بود که** توسط یک گاری زیر گرفته بشه

این درس را در اینستاگرام نیز دنبال کنید:



deutsch_als_fremdsprache #deutsch_lernen# آلمانی زبان آموزش #آموزش زبان آلمانی # de_alemani_de#
#deutsch

A post shared by [de.alemani.de](#) (@de.alemani.de) on Jun 12, 2018 at 7:45am PDT

آموزش رایگان زبان آلمانی - مرتضی غلام نژاد

منبع : de.alemani.de

نگاهی به حروف اضافه bei, zu, von

سلام دوستان در درس امروز می خواهیم با هم یاد بگیریم که از حروف اضافه **bei** , **zu** , **von** چگونه و بهتر می توانیم استفاده کنیم.

همانطور که میدانید یکی از سر در گمی های زبان آموزان بکارگیری صحیح حروف اضافه است ، در این درس و درس های آینده ، من قصد دارم که به طور ساده تمامی حروف های اضافه را مورد بررسی قرار بدهم تا پی ببرید که استفاده صحیح از آنها به هیچ عنوان سخت و دشوار نیست.

همانند تمامی دروس های گذشته ، اجازه بدید با یک مثال در زبان فارسی شروع کنم.

ما فارسی زبان ها می گوئیم : من می خواهم **به پیش** مرتضی میروم ، من **پیش** مرتضی هستم ، من **از پیش** مرتضی می آیم.

خب ، حروف اضافه جملات بالا اینگونه است.

به پیش

پیش

از پیش

یا اینکه :

من به نزدِ مرتضی میروم ، من نزدِ مرتضی هستم ، من از نزدِ مرتضی می آیم

افعال جملات من نیز به ترتیب زیر هستند

رفتن

بودن

آمدن

پس در زبان فارسی من هرگاه بخواهم نزد کسی بروم یا از پیش کسی بیایم یا نزد کسی باشم ، فعل مربوط به خودش را استفاده میکنم ، به زبان ساده تر :

رفتن -> به نزدِ کسی یا به پیشِ کسی (میرویم)

بودن -> پیشِ کسی یا نزدِ کسی (هستیم)

آمدن -> از پیشِ کسی یا از نزدِ کسی (می آیم)

خب همانطوری که ما فارسی زبان ها از فعل و حروف اضافه مربوط به خودش استفاده میکنیم ، در زبان آلمانی نیز به همین صورت است.

نکته : روشی که در ادامه می خواهیم به شما بگویم ، تنها در ارتباط با اشخاص جواب میدهد ، در دروس دیگر تکنیک های تازه تری خواهید آموخت ، اما در این درس تنها می خواهیم یاد بگیریم چگونه باید از این حروف و افعال در اقبال اشخاص استفاده کنیم.

برویم سر وقت توضیحات و همین مثال به زبان آلمانی.

ساده ترین راهی که من می توانم به شما یاد بدهم اینگونه است که ما به سر وقت واژگان پرسشی برویم :

Wo? کجا

Wohin? به کجا

Woher? از کجا

یعنی می توانم جملاتم را در ابتدا با واژگان پرسشی سوالی کنم :

bei -> Wo sind Sie? شما کجا هستید؟ -> نزد ، پیش

zu -> Wohin gehen Sie? شما به کجا میروید؟ -> به پیش ، به نزد

von -> Woher kommen Sie? شما از کجا می آید؟ -> از پیش ، از نزد

یعنی هرگاه ما فعل sein را داشته باشیم می توانیم آنرا با wo سوالی کنیم و حرف اضافه ای که در جمله می آید bei است.

Wo bist du?

Ich bin bei Morteza

تو کجا هستی

من نزد یا پیش مرتضی هستم

اینجا حرف اضافه bei در فارسی به معنی نزد ، پیش

حال اگر فعل gehen را داشته باشیم ، می توانیم آنرا با wohin سوالی کنیم و حرف اضافه ای که در جمله می آید zu می باشد.

یعنی در تفکر آلمانی ما zu کسی میرویم که در فارسی به معنی به پیش کسی ، به نزد کسی می باشد.

Wohin gehst du?

Ich gehe zu Morteza

به کجا داری میری

من دارم **میرم به پیش** یا **به نزد** مرتضی

و در نهایت اگر فعل ما kommen بود ، آنرا می توانیم با واژه پرشی woher سوالی کنیم و حرف اضافه ای که در جمله می آید von می باشد.

یعنی در تفکر آلمانی ما von کسی می آیم که در فارسی به معنی از نزد کسی یا از پیش کسی آمدن است

Woher kommst du?

Ich komme von Morteza

از کجا می آیی

من از پیش مرتضی یا از نزد مرتضی می آیم.

نکته : هر گاه مخاطب ما اسم یک انسان باشد ، مثلا مرتضی ، بهرام ، ژاله و آنگاه دیگر نیازی به آرتیکل این اسامی نیست

دوستان توجه داشته باشید که این تکنیکی که در این درس آموختیم ، تنها در ارتباط با اشخاص است ، به دیگر موارد یا حروف اضافه در درس های آینده اشاره خواهیم داشت. اینها تنها حروف اضافه در ارتباط با انسان ها و اشخاص است ، برای درک بیشتر به مثال زیر توجه کنید :

die Kollegen همکاران ، رفقا (یک اسم جمع می باشد)

Ich **gehe zu** den Kollegen, ich **bin bei** den Kollegen, ich **komme von** den Kollegen

من **میروم به پیش** رفیقانم یا همکارانم ، من **پیش** رفیقانم یا همکارانم **هستم** ، من **از پیش** رفیقانم یا همکارانم **میام**

پس یکبار دیگر اشاره میکنم

Wo? -> sein -> bei

wohin? -> gehen -> zu

دیدید که چقدر ساده می توانیم با تکنیک گفته شده در این درس ، از استفاده درست و صحیح این سه حروف اضافه در ارتباط با اشخاص استفاده کنیم.

چند مثال دیگر و پایان این درس :

der Arzt پزشک یا دکتر (یک اسم مذکر می باشد)

Ich gehe **zum** Arzt, ich bin **beim** Arzt, ich komme **vom** Arzt

من میروم به نزد پزشک ، من نزد پزشک هستم ، من از نزد پزشک می آیم.

die Chefin خانم رئیس یا مدیر (یک اسم مونث می باشد)

Ich gehe **zur** Chefin, ich bin **bei der** Chefin, ich komme **von der** Chefin

من به نزد خانم مدیر میروم ، من پیش یا نزد خانم مدیر هستم ، من از پیش خانم مدیر می آیم.

نکته : تمامی حروف اضافه گفته شده در این درس یعنی bei, zu, von در اینجا همگی حروف اضافه Dativ ساز هستند.

یعنی اگر می گوییم من به نزد پزشک یا دکتر میروم از آنجایی که حرف تعریف یا آر تیکل دکتر der است ، پس به ترتیب زیر می شوند

zu + Dativ -> zu dem Arzt

که خلاصه آن می شود **zum Arzt**

von + Dativ -> von dem Arzt

که خلاصه آن می شود vom Arzt

bei + Dativ -> bei dem Arzt

که خلاصه آن نیز می شود beim Arzt

و در ارتباط با اسامی مونث ، همانند die Chefin خانم رئیس یا مدیر

zu + Dativ -> zu der Chefin

که خلاصه آن می شود zur Chefin

همانطور که میدانیم ، در حالت اسمی Dativ حرف اضافه die به der تبدیل می شود.

دیگر موارد یعنی von, bei به همراه اسامی مونث ، خلاصه ای ندارند و همان به شکل کامل نوشته می شوند

von der Chefin از پیش یا از نزد خانم مدیر

bei der Chefin پیش خانم رئیس یا خانم مدیر

die Studenten دانشجویان (یک اسم جمع می باشد)

Ich gehe zu den Studenten, ich bin bei den Studenten, ich komme von den Studenten

من به پیش یا به نزد دانشجویان میروم ، من نزد یا پیش دانشجویان هستم ، من از نزد یا از پیش دانشجویان می آیم.

این درس را از صفحه اینستاگرام سایت دنبال کنید.



توجه داشته باشید که این روش تنها هنگامی است که بخواهیم در مورد شخص صحبت کنیم ، یعنی بروم پیش مرتضی یا بروم نزد دکتر ، لطفا برای درک بیشتر به مثال زیر توجه کنید : . Ich gehe zum Arzt, ich bin beim Arzt, ich komme vom Arzt . . من نزد دکتر میروم ، من نزد دکتر هستم ، من از دکتر می آیم . . #de_alemani_de# آموزش زبان آلمانی #مرتضی_غلام_نژاد #deutsch #deutsch_als_fremdsprache #deutsch_lernen#

A post shared by [de.alemani.de](https://www.instagram.com/de.alemani.de/) (@de.alemani.de) on Jun 8, 2018 at 1:53am PDT

آموزش رایگان زبان آلمانی – مرتضی غلام نژاد

منبع : [de.alemani.de](https://www.instagram.com/de.alemani.de/)